

فرهنگ پهلوی

(واژه نامه پهلوی - پازند)

پژوهش:
سعید عریان

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

تهران - ۱۳۹۲

www.ketab.ir



سرشناسه: عریان، سعید، ۱۳۲۹-

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ پهلوی: واژه‌نامه پهلوی / به هوش سعید عریان.
مشخصات نشر: تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: هفتاد و شش، ۷۶۰ ص:؛ ۲۲×۲۹ س. م.

شابک: 978-600-220-196-6

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

عنوان دیگر: واژه‌نامه پهلوی پازند.

موضوع: زبان پهلوی -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی

شناسه افزوده: ایران. مجلس شورای اسلامی. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ ف۴ ع۴ / PIR ۲۰۹۵

رده‌بندی دیویی: ۰۷۳ / ۴۴۰

شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۲۳۸۹۱



فرهنگ پهلوی

(واژه‌نامه پهلوی - پازند)

پژوهش: سعید عربیان

صفحه‌آرا: مریم حاتمی

شماره انتشار: ۴۰۷

ناظر فنی: نیکی ایوبی‌زاده

تیراژ اول: ۱۳۹۲

شماره ثبت: ۱۰۰۰

قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال

شابک: 978-600-220-196-6

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر را انجمن کتابخانه،
موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی دارد.

انتشارات و توزیع:

میدان بهارستان، خیابان مجاهدین اسلام،

نیش کوچه آجانلو، ساختمان پلیس ۱۰+، طبقه سوم

تلفن: ۸-۲۳۵۴۸۱۴۷

نشانی سایت اینترنتی: www.ical.ir

نشانی پست الکترونیکی: Pajooreshlib@yahoo.com

فهرست مطالب

پیشگفت	یازده
مقدمه	پانزده
متن فرهنگ پهلوی	۱-۵۶۲
در اول	۱
در دوم	۱۹
در سوم	۳۷
در چهارم	۴۵
در پنجم	۶۷
در ششم	۷۹
در هفتم	۸۷
در هشتم	۱۰۷
در نهم	۱۱۷
در دهم	۱۲۷
در یازدهم	۱۵۹
در دوازدهم	۱۷۷
در سیزدهم	۱۹۱
در چهاردهم	۲۰۷
در پانزدهم	۲۱۹
در شانزدهم	۲۳۳
در هفدهم	۲۴۵
در هجدهم	۲۵۳
در نوزدهم	۲۸۳
در بیستم	۳۱۷
در بیست و یکم	۳۵۷
در بیست و دوم	۳۹۱
در بیست و سوم	۴۰۵
در بیست و چهارم	۴۲۵
در بیست و پنجم	۴۴۱
در بیست و ششم	۴۷۷
در بیست و هفتم	۴۸۵

۵۰۱	در بیست و هشتم
۵۲۵	در بیست و نهم
۵۳۹	در سیام
۵۴۵	در سی و یکم
۵۶۳	متن انتقادی
۵۹۱	متن اصلی
۶۳۵	فهرست‌ها

www.ketab.ir

پیشفت

هنگامی که پس از حدود چهار سال کار مداوم روی دستنوشته «فرهنگ پهلوی» سرانجام آن را به عنوان پایان نامه دکتری خود آماده دفاع نمودم. هنگامی که حدوداً شش سال بعد آن را جهت استفاده دانشجویان و پژوهشگران به دشواری فرو ن منتشر ساختم* و سرانجام هنگامی که پس از حدوداً پانزده سال پس از انتشار و نایاب شدن آن، در پی تصمیم برای انتشار مجدد، به اندیشه بازنگری پاره‌ای از مطالب افتادم، هرگز فکر نمی کردم که کار نه حتی به یک بازنگری گسترده که به یک دگرگونی اساسی در نگرش من به «هزوارش» بیانجامد.

مسئله از سال‌های پیش آغاز شد. از زمانی که نگارنده از تحصیل و البته از پذیرش بسیاری از نظریات به اصطلاح علمی فارغ شد و دست به راحتی و بدون نگرانی از کلاس درس و امتحان بیندیشد. در این هنگامه بود که بسیاری از مسائلی که در آن روزها قطعی، حتمی، بدیهی و بی‌نیاز به بحث و گفتگو به نظر می رسید - که هنوز در متافانادین گونه است - در ذهن نگارنده از بیخ و بن مورد تردید جدی قرار گرفت و او را بر آن داشت که بار دیگر و نه بار دیگر که بارها و بارها به گونه‌ای اساسی به آنها بیندیشد.

این موارد بسیار بوده و هست و اگر بگویم که تقریباً تمام حوزه مطالعات فرهنگ و زبانهای باستانی را در بر می گیرد، بی تردید سخنی به گراف نگفته‌ام. موارد در حوزه تاریخ ایران پیش از اسلام، مواردی در مورد کتیبه‌ها به ویژه کتیبه‌های هخامنشی، مواردی در خصوص سکه‌ها و رابطه میان فلز سکه و محل ضربخانه، موارد بسیاری در مورد فرهنگ و معارف ایران باستان از جمله موارد مربوط به ادیان ایرانی پیش از اسلام، مواردی در رابطه با زبانها و خطوط ایرانی به ویژه خط و زبان پهلوی و غیره و غیره و غیره.

* این پژوهش پیش از این در سال ۱۳۷۷ با عنوان «واژه نامه پهلوی - پازند» (فرهنگ پهلوی) منتشر شده است. نظر به اینکه پژوهش حاضر از نظر گستره اطلاعات تخصصی، بهره‌گیری مستقیم از منابع دست اول و معتبر مربوطه و از همه مهمتر دگرگونی نگرش به پدیده هزوارش با اثر قبل متفاوت است از این روی عنوان آن به «فرهنگ پهلوی» که نام اصلی متن است، تغییر یافت.

یکی از این همه موارد در حوزه خط و زبان پدیده‌ای است به نام «هزوارش». نگارنده در هنگام تدوین چاپ نخست پژوهش حاضر و پیش از بازنگری این اثر، نظر رایج در مورد «هزوارش» را پذیرفته بود، نظری که امروزه نیز بدون هیچ گونه اندیشه‌ای به شدت ترویج می‌شود.

اما با گذشت زمان تردید در ماهیت این پدیده پیوسته ژرفتر گردید تا جایی که به استناد دلایل بسیار که به صورت مشروح و مفصل در مقدمه آمده است، واماژه بودن هزوارش‌ها برای نگارنده مسجل شد. بدین ترتیب به استناد دلایل مطروحه نه تنها هزوارش‌ها را باید واژه دخیل به شمار آورد و معما بودن آنها را که در هیچ دوره‌ای و در هیچ زبانی دیده نشده و در زبانهای ایرانی نیز توجیهی ندارد فراموش کرد، بلکه باید از این پس آنها را نه یک پدیده خطی و نوشتاری، که پدیده‌ای زبانی و قابل توجیه محسوب نمود.

نگارنده در این پیشگفتار به پرداختن به جزئیات را ندارد که علیرغم عادت مألوف، در مقدمه مفصل و مستوفی خود به آنها پرداخته است؛ اما مطلبی که در اینجا گفتنی است این که:

چرا پس از گذشت حداقل پنج ده از انقلاب اندازی این رشته در دانشگاه‌های کشور، هنوز زمان اندیشیدن به مسائل مذکور در بالا فرا نرسیده است؟

چرا هیچگاه به صورت جدی به این امر نیاندیشیده‌ایم که این مجموعه از مطالعات در حال حاضر و با وضع کنونی در پی حل چه مشکلاتی است؟

چرا هنوز سخت در این باوریم که در این رشته و مطالعات مربوط هیچ مشکل و ابهامی وجود ندارد؟

چرا باور کرده‌ایم که دقایق این رشته را به خوبی می‌دانیم در حالی که هنوز اصول آن بر ایمان روشن نیست؟

چرا هرگز به این امر نیاندیشیده‌ایم که از آغاز شکل‌گیری این رشته از مطالعات در دانشگاه‌های این مرز و بوم پیوسته چند صفحه از هر متنی را به عنوان تدریس تکرار کرده‌ایم و هنوز دیده می‌شود که دانشجوی این رشته به عنوان رساله کارشناسی ارشد به طور مثال به بررسی ساخت فعل در یکی از یشت‌ها می‌پردازد؟

چرا فراموش کرده‌ایم که نام این رشته "فرهنگ و زبان‌های باستانی" است و این به آن معناست که فراگیری زبان‌های باستانی وسیله بررسی فرهنگ و حل دشواری‌های آن است و بدون ورود جدی به فرهنگ، پرداختن به زبان‌ها تنها فرایندی بی هدف و تکراری است.

چرا در بررسی زبان‌ها، هنوز بخش بیشین کوشش خود را برای بیان مشتی اطلاعات تکراری و قدیمی صرفی آنها نه به صورت نظام‌مند بلکه به گونه‌ی جسته گریخته هزینه کرده و نه به نحو آنها می‌پردازیم و نه به ساختمان معنایی آنها؟

بهر حال چند نکته از سویی دل‌باخته، شیدا و سرگشته این رشته است و از سویی دیگر تمام مشکلات برشمرده و برنشمرده را با تمام وجود تجربه کرده است. در این مقال تنها در پی آن بود که قدری درد دل کند و بس از همین روی امید دارد که با پژوهش حاضر توانسته باشد که مشکلی را حل کند.

سعید عریان

تهران ۹۲/۳/۱۸

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

مطالعات ایرانی به صورت پرکنده و جان سانه ای بسیار طولانی دارد. اما از آنجایی که مسافت دورپایان به شرق و غرب و ایران رونق گرفته بود و بسیاری از جهانگردان روی به این سرزمین می نهادند. نظریه های متعددی که به تدریج توجه قاصد اروپاییان را به ایران جلب کرد. این آثار موجب شد که برخی از شرق شناسان حتی به گذشته های دور ایران و دوره باستانی آن، یعنی ایران پیش از اسلام نظر انداخته و آن را بطور مشروح مورد بررسی و تشریح قرار بدهند.

مارتین هان داوود است که شرق شناسان این گونه گفتارش را همیشه از زبان و متون بازمانده از آن آغاز کرده اند و این امر غریبی نیست. زیرا با بنگان می دانند که زبان و ادبیات ایران در دو بخش است. زبان و فرهنگ پدید آمده برای فهم هر یک باید از دگرگونی مدد جست. چه معمولاً پاروایی از سطرخرمکی در این مکتب است که از تطاول ایام جان سالم به رمی بند و امکان آشنایی با اندیشه پیشینیان را فراهم می سازند. از این روی ارتباط منطقی موجود میان زبان، اندیشه و فرهنگ از سویی و امنیت مطالعه و تامل در فرهنگ پیشینیان به عنوان چرایی قرار و حال و آینده از سویی دیگر را بر آن می دارند که پیوسته سخن گفتن و مطالعه پیش از آن، به شناسایی و تحقیق در متون بازمانده کوشا باشند.

بررسی و مطالعه در حوزه فرهنگ و تمدن ایران، از آنجایی که آثار و بطوریکه «ایران شناسی»، در چند سال گذشته از بهر شرف و شگوفایی پیکشیری برخوردار بوده است. «مسیح» همه گذشته بسیاری نیست. «ب» زبان می بستانی. «ن» از کتاب، «ت» و «د» و «ز» زبان می ایرانی مورد مطالعه، «ت» قرار گرفته و بررسی او در برگیرنده اندیشه و است.

یکی از این آثار «فرهنگ پهلوی» یا «واژه نامه پهلوی» - بازمانده است که در قرن سیزدهم میلادی تدوین شده و بنابر شواهد تاریخی کاربرد آن در میان کاتبان از ضروریات وقت به شمار می رفته است. به عبارت دیگر، هدف این فرهنگ، بهر دست به صورت موضوعی تدوین شده، آن است که واژدهانی را که از نظر املائی برای نویسنده گان، ویران و کاتبان منوخ شده و کاربرد آن دشوار گردیده، در ادبیات گردانند.

لذا کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، بنابر وظایف پژوهش و نیز مجموعه بزرگ و با ارزش ایران شناسی خود، به اشتیاق شرمم را که بی تردید در مطالعات زبانی، و نیز پژوهش های مربوط به تطور تاریخی و استقامت واژه در زبان های ایرانی و سامی از جایگاه برجسته ای برخوردار است. در حوزه پژوهش های ایران شناسی فتح بابی می داند که به خواست خداوند می تواند مثلاً آثار تحقیقی و علمی و فرهنگی باشد.

محمد رحیمی
رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد
مجلس شورای اسلامی